

امنیت انسانی، پلیس و پیشگیری از جرم

دکتر غلامرضا محمدنسل*

چکیده

از یک منظر، تهدیدات علیه امنیت انسانی را می‌توان به تهدیدات طبیعی و تهدیدات ساخته دست بشر تقسیم‌بندی کرد. جرم و ناامنی از مهم‌ترین تهدیدات بشر ساخته بشمار می‌روند که وظیفه اصلی پلیس در جامعه مقابله و مبارزه با این دسته از تهدیدات است. نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران نیز در راستای انجام مأموریت‌های خود و برقراری نظم و امنیت و آسایش عمومی، مقابله با جرم و ناامنی در سطح جامعه و مبارزه با مجرمان و برهم‌زنندگان آسایش عمومی و امنیت انسانی را وجهه همت خود قرار داده است. هر چند که نگاه به پیشگیری در سیستم پلیس خالی از سابقه نیست، اما در سال‌های اخیر به دلایل متعدد، مداخله و پیشگیری پلیسی اهمیت فراوان‌تری پیدا کرده و ناجا با بهره‌گیری از تجربیات متعدد بین‌المللی و همچنین سرمایه فرهنگی و تاریخی کشورمان راهبردهای معینی را جهت پیشگیری از جرم و ناامنی و در نتیجه تأمین امنیت انسانی اتخاذ نموده است.

کلید واژه‌ها: امنیت داخلی - جرم و ناامنی - پیشگیری از جرم - پیشگیری اجتماعی - پیشگیری وضعی - پیشگیری از جرائم سازمان‌یافته.

مقدمه

امنیت انسانی بُعد جدیدی از امنیت است که در یکی دو دهه اخیر وارد ادبیات گفتمان سیاسی و حقوقی شده است. اغلب امنیت انسانی را در برابر امنیت ملی بکار می‌برند. در دیدگاه سنتی از امنیت، دولت‌ها موضوع اصلی امنیت را تشکیل می‌دادند اما به مرور با تکیه بر مسائل حقوق بشری، رویکردهای جدیدی در حوزه امنیت خودنمایی کرد که به رسمیت شناختن و پاسداری از امنیت انسانی نیز از جمله این رویکردهای نو به شمار می‌رود. برنامه

* استادیار دانشگاه علوم انتظامی، پست الکترونیکی: g_mnasl@yahoo.com

توسعه سازمان ملل متحد در گزارش سال ۱۹۹۴ خود مفهوم امنیت انسانی به هفت حوزه تقسیم نموده است.

حوزه نخست، حوزه امنیت اقتصادی بوده و هدف آن کسب درآمد مطمئن اشخاص از طریق شبکه اقتصادی سالم است. دومین حوزه، امنیت غذایی است و مفهوم آن دسترسی همه مردم در همه زمانها هم از نظر فیزیکی و هم از نظر اقتصادی به غذا می باشد. حوزه سوم امنیت انسانی، حوزه امنیت بهداشتی بوده و مفهوم آن تامین و تضمین حداقلی از بهداشت در برابر بیماریها و برخورداری از سبک زندگی سالم است. چهارمین حوزه، امنیت محیط زیست به معنی حمایت از مردم در برابر تخریب کوتاه مدت یا بلند مدت طبیعت است. عدم دسترسی به آب بهداشتی و آلودگی هوا و همچنین گرم شدن کره زمین بر اثر تصاعد گازهای گلخانه‌ای از چالش‌های اصلی بشر در زمینه امنیت محیط زیست به شمار می‌روند. پنجمین حوزه امنیت انسانی، حوزه امنیت شخصی است که منظور از آن، حمایت از مردم در برابر خشونت فیزیکی ناشی از جنگ یا نبردهای مسلحانه و یا جرائم خشونت‌آمیز است. حوزه ششم، حوزه امنیت عمومی و به مفهوم حمایت از مردم در برابر از دست رفتن روابط و ارزش‌های سنتی و خشونت‌های فرقه‌ای و قومی و سایر تهدیدات سخت‌افزاری و نرم‌افزاری علیه جامعه است. بالاخره، هفتمین و آخرین حوزه از امنیت، امنیت سیاسی است به این معنی که شهروندان و ساکنین یک کشور از حقوق اساسی بشر که در کنوانسیون‌های بین‌المللی به رسمیت شناخته شده، برخوردار باشند.^۱

ویژگی‌های امنیت انسانی

برای امنیت انسانی ویژگی‌هایی، از جمله خصوصیات زیر، برشمرده شده است که ذکر آن برای تبیین رویکرد پلیس در تامین آن لازم است:

- امنیت انسانی مردم محور است. تمرکز آن بر حمایت از اشخاص است. ابعاد مهم این نوع از امنیت، تامین رفاه اشخاص و پاسخ به نیازهای روزمره اشخاص در ارتباط با منابع تهدید است.
- علاوه بر حمایت از کشور در برابر تجاوز خارجی، امنیت انسانی دامنه حمایت خود را افزایش خواهد داد تا طیف گسترده‌تری از تهدیدات را در بر گیرد مانند تخریب محیط زیست، بیماری‌های مسری، و محرومیت اقتصادی.

² www.en.wikipedia.org

- تحقق امنیت انسانی نه تنها دولت‌ها را در بر می‌گیرد بلکه مشارکت بازیگران متعددی را می‌طلبد از جمله، سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی، سازمان‌های غیر دولتی و جوامع محلی.
- امنیت انسانی نه تنها از افراد و جوامع حمایت می‌کند بلکه آنها را به عنوان ابزاری برای امنیت تقویت می‌کند. مردم از طریق شناسایی و اجرای راه‌حل‌های ناامنی، به دولت کمک می‌کنند.¹

مشکلات موجود در حوزه امنیت انسانی

۱- فقدان اجماع در مورد تعریف امنیت انسانی

در حال حاضر حداقل چهار تعریف متفاوت وجود دارد: تعریف ارائه شده توسط برنامه توسعه سازمان ملل متحد، تعریف ارائه شده توسط ژاپن، تعریف ارائه شده توسط کانادا و تعریف ارائه شده توسط اتحادیه اروپا. این تعاریف نگاه محدود یا گسترده به مفهوم امنیت انسانی دارند. نگاه محدود امنیت انسانی را به عنوان رهایی از ترس تعریف می‌کند در حالی که نگاه گسترده آن را به عنوان رهایی از فقر و نیازمندی می‌شناسد.

۲- فقدان معیار برای اولویت‌بندی تهدیدات امنیتی

تهدیدات امنیتی متعدد هستند و بنا بر این اولویت‌بندی آنها ضروری است در حالی که شاخصی برای اولویت‌بندی وجود ندارد و این امر ممکن است توسط برخی سیاست‌مداران برای رسیدن به اهداف سیاسی خود مورد استفاده قرار گیرد. ضمن اینکه برخی از دولت‌های قدرتمند ممکن است از طریق رسانه‌ها و تبلیغات توجه جهانی را به برخی نقاط به عنوان اولویت منحرف کنند در حالی که در پشت پرده اهداف سیاسی دیگری دارند.

۳- فقدان معیار برای اندازه‌گیری امنیت انسانی

مشکلات زیادی در مورد اندازه‌گیری امنیت انسانی وجود دارد از جمله اینکه از کدام تعریف باید استفاده کرد؟ آستانه امنیت یا حدود امنیت را چگونه باید تعریف کرد؟ شاخص‌های کیفی را چگونه باید به شاخص‌های کمی تبدیل کرد؟ وزن هر یک از شاخص‌ها را چگونه

¹ Ibid

باید تعریف کرد؟ مخصوصاً که سیاست‌های محلی، زمینه‌های اجتماعی- اقتصادی و فرهنگی و انتظارات افراد در معرض خطر نیز باید در نظر گرفته شوند.

جرم و ناامنی؛ تهدید جدی برای امنیت انسانی

تقریباً در هر جایی از کره زمین، شاخص های جرائم علیه اشخاص و اموال رو به رشد است. بین سال های ۱۹۷۵ و ۱۹۹۰، شمار جرائم سالیانه گزارش شده در جهان، از ۳۵۰ میلیون مورد به ۵۰۰ میلیون مورد افزایش پیدا کرد. بنا به آمار سازمان ملل متحد، جرائم خشونت آمیز در خلال دهه منتهی به سال ۲۰۰۰، در حدود ۱۰٪ رشد داشته است. جرائمی نظیر سرقت، زورگیری و کلاهبرداری، ۷۰٪ جرائم گزارش شده را تشکیل می دهند و بین سال های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰، ۳۰٪ افزایش یافته اند. در مورد تمام دسته های جرائم، بیش از سه چهارم این جرائم در مناطق شهری ارتکاب یافته است. سرقت و حمله از علل اصلی بزه دیدگی در کشورهای صنعتی بوده است. در بسیاری از کشورها، رشد اقتصادی و توسعه شهری همراه با دو یا سه برابر شدن جرائم نسبت به ۱۰ یا ۲۰ سال قبل است.

هر چند که خطر بزه دیدگی در هر شهر یا محله ای نسبت به شهر یا محله دیگر متفاوت است، با این حال این امر نیز واقعیت دارد که ساکنین مناطق مسکونی و تجاری اهداف بهتری برای بزهکاران هستند. نرخ جرائم علیه اموال اساساً با خصوصیات زندگی شهری مانند تراکم بالای جمعیت، گمنامی، کثرت کالاهای گرانبها و توسعه شهری (که فرصت های بیشتری را برای ارتکاب جرم ارائه می دهد)، افزایش پیدا می کند. خواه در یک شهر آفریقایی یا در یک مرکز شهری در یک کشور صنعتی، نرخ سرقت (یکی از شایع ترین جرائم علیه اموال) یکی از بهترین شاخص های سطح کلی جرم در یک منطقه معین به شمار می رود (فان دیک^۱، ۱۹۹۶).

خشونت جلوه های مختلفی دارد. خشونت علیه زنان و کودکان، وضعیت خاص و هشدار دهنده ای داشته و محدود کردن آن دشوار است. در حالی که این جرم به جای فضاهای عمومی در اماکن خصوصی اتفاق می افتد، هزینه های اجتماعی و انسانی این شکل گسترده از خشونت قابل توجه است (یونیسف، ۱۹۹۷). خشونت همچنین با واقع شدن در یک محیط بسیار پیچیده به وسیله تمام عوامل مستقیم یا غیر مستقیم مرتبط با بحران های اقتصادی، محرومیت اجتماعی، جریان مهاجرت و پاشیدگی روابط اجتماعی، به سوء کارکرد اجتماعی و بازتولید گرایش های خشن کمک کرده است. میلیونها نفر از زنان و

^۱ Van Dijk

کودکان بطور روزمره مورد تجاوز جنسی واقع، نقص عضو شده و کشته می شوند و این مظاهر خشونت، شرایط مناسب و اساسی برای توسعه انسانی را تهدید می کند.

وخامت خشونت ارتباط نزدیکی با مصرف مواد مخدر و الکل به همراه استفاده از سلاح گرم دارد. در ایالات متحده، مرگ بر اثر سلاح گرم، ۶۴٪ از قتل های عمدی سال ۱۹۹۰ را تشکیل داده و دومین علت اصلی مرگ و میر در میان جوانان بوده است. در مطالعه‌ای وضعیت شهر سیاتل^۱ در ایالات متحده با شهر ونکوور^۲ در کانادا مورد مقایسه قرار گرفت. هر دو شهر از نظر جمعیتی و وضعیت اجتماعی-اقتصادی مشابه بودند اما از حیث قوانین مربوط به سلاح گرم با هم تفاوت داشتند. در حالی که نرخ جرائم حمله جسمانی و سرقت در دو شهر تفاوت چندانی نداشت، اما نرخ قتل بر اثر سلاح گرم در شهر سیاتل (که در آن قوانین مربوط به حمل و نگهداری سلاح گرم بسیار سهل گیرتر هستند)، چهار برابر شهر ونکوور بود (سلوان^۳، ۱۹۸۸). دسترسی به سلاح گرم که از طریق جرائم سازمان یافته بین المللی تسهیل شده، خطر خشونت شهری را تشدید کرده و تهدیدی اساسی برای امنیت به شمار می رود.

چهارمین نمونه گیری سازمان ملل متحد در باره روند جرم و قابلیت های سیستم های عدالت کیفری نشان داد که در اکثریت شهرهای پرجمعیت، نرخ قتل عمد بالاتر از نرخ ملی است که این امر مؤید ماهیت شهری این جرم است. استثناهایی در کشورهای نظیر کلمبیا و سیرالئون وجود دارد. بعلاوه معلوم شده است که کشورهای توسعه نیافته، فقیر، فاقد مسکن، کم سواد و فاقد سرویس خدمات اجتماعی، بیشترین نرخ قتل را داشته اند که نرخ آن از ۲۲ تا ۶۴ مورد به ازای هر یکصد هزار نفر جمعیت در نوسان بوده است. با مقایسه ۲۰ شهر امن آسیا و اروپا با نرخ قتل کمتر از ۲ مورد به ازای هر یکصد هزار نفر، معلوم شده است که این شهرها بالاترین شاخص های توسعه انسانی را دارا بوده اند (سرشماری بین المللی جمعیت، ۱۹۹۰).

البته جرم به طور نامساوی توزیع شده است و مطالعات به عمل آمده، تفاوت گسترده‌ای در مورد اطلاعات مربوط به جرم را از کشوری به کشور دیگر نشان می‌دهد. با این حال روند صعودی جرم و خشونت به استثنای ژاپن در سراسر جهان وجود دارد و خطر بزه دیدگی ظرف سی سال گذشته دو و یا حتی سه برابر شده است. مطالعات بین‌المللی در مورد بزه‌دیدگی نشان می‌دهد که مخصوصاً^۳ در رابطه با جرائم خشونت‌آمیز، ساکنین

¹ Seattle

² Vancouver

³ Sloane

مناطق شهری در آفریقا و امریکای لاتین شانس بیشتری برای بزه دیدگی دارند (سازمان ملل متحد، ۱۹۹۵).

جرم در شهرها و محله های کشورهای آسیایی نیز در حال رشد است. یک مطالعه بین المللی در پنج منطقه از پکن، نشان داد که در سال ۱۹۹۳ یک نفر از هر هشت نفر (۱۳٪) قربانی جرم شده است و در طول یک دوره پنج ساله (۱۹۹۴ - ۱۹۸۹)، بزه دیدگی برای نیمی از مردم اتفاق افتاده است. در ژاپن، معلوم شده است که تراکم جمعیت ضرورتاً منجر به افزایش جرم خواهد شد (میازاوا^۱، ۱۹۹۰). کنفرانس جهانی شهرداران در مورد توسعه اجتماعی (که شهرداران بیش از ۱۳۵ شهر را گرد هم آورد) نشان داد که مسئله جرم، خشونت، و نا امنی چهارمین رتبه از معضلات مهم شهری را به خود اختصاص داده و رتبه اول و دوم به ترتیب مربوط به توسعه نیافتگی و کمبود مسکن بوده است. جرم، اولین معضل در ریودوژانیرو^۲ (برزیل)، پراگ^۳ (جمهوری چک)، سن خوزه^۴ (کاستاریکا) و نوارک^۵ (ایالات متحده) است (برنامه توسعه سازمان ملل متحد، ۱۹۹۴).

پیشگیری، موثرترین پاسخ جامعه به تهدیدات مجرمانه علیه امنیت انسانی

دو پاسخ متفاوت در برابر جرم و ناامنی و سایر تهدیدات علیه امنیت انسانی وجود دارد. راهکار اول واکنش و سرکوبی است و راهکار دوم پیشگیری است. اما تجربیات متعدد بشری و آمارها و مستندات موجود بالاتر بودن اثربخشی پیشگیری را در مقایسه با سرکوبی نشان می دهد.

واژه پیشگیری^۶ در مفهوم متداول آن در معانی "پیش دستی کردن، پیشی گرفتن و به جلوی چیزی شتافتن" و همچنین "آگاه کردن، خبر چیزی را دادن و هشدار دادن" است. اما در جرم شناسی، پیشگیری در معنی اول آن مورد استفاده واقع می شود، یعنی با کاربرد فنون مختلف به منظور جلوگیری از وقوع بزهکاری، به جلوی جرم رفتن و پیشی گرفتن از بزهکاری است.^۷

^۱ Miyazawa

^۲ Rio de Janeiro

^۳ Prague

^۴ San José

^۵ Newark

^۶ Prevention

در استنباط مفهوم پیشگیری و مصداق‌های آن دو جهت‌گیری کلی دیده می‌شود. برخی از جرم‌شناسان مفهوم موسعی برای تدابیر پیشگیرانه قائل شده و گروهی دیگر پیشگیری را در مفهومی محدود و مضیق بکار می‌برند.

مطابق مفهوم موسع پیشگیری از جرم، انجام هر اقدامی که علیه جرم بوده و آن را کاهش دهد، پیشگیری محسوب می‌شود. بر اساس این برداشت انواع تدابیر کیفری و غیرکیفری چه مربوط به قبل و چه مربوط به بعد از وقوع جرم، پیشگیری محسوب می‌شوند. فلذا در این تعبیر، حتی تعقیب و دستگیری بزهکاران، اعمال مجازات یا تعلیق اجرای آن، الزام آنان به جبران خسارت مجنی‌علیه و فردی کردن مجازات توسط قاضی نیز پیشگیری به شمار می‌آیند. لذا این مفهوم طیف وسیعی از اقدامات کیفری و غیرکیفری را در بر می‌گیرد.^۱

اما در جرم‌شناسی پیشگیرانه، پیشگیری مفهوم مضیقی پیدا کرده است. در این مفهوم پیشگیری به مجموعه وسایل و ابزارهایی اطلاق می‌شود که دولت برای مهار بهتر بزهکاری از طریق حذف یا محدود کردن عوامل جرم‌زا و یا از طریق اعمال مدیریت مناسب نسبت به عوامل محیط فیزیکی و محیط اجتماعی موجد فرصت‌های جرم، مورد استفاده قرار می‌دهد.^۲

تعاریف متعددی از پیشگیری از جرم ارائه شده است اما اگر بخواهیم تعریف مختصر و مفیدی از پیشگیری از جرم ارائه دهیم، می‌توانیم بگوییم که: "پیشگیری از جرم پیش‌بینی، شناسایی و برآورد عوامل خطر جرم و ابداع اقداماتی برای از بین بردن یا کاهش آنها است."^۳

انواع پیشگیری از جرم

دیدگاه‌های مختلفی در مورد نحوه دسته‌بندی اقدامات پیشگیرانه از جرم وجود دارد. مثلاً استانویچ^۴ اقدامات پیشگیرانه را به دو دسته تقسیم کرده است. وی در نخستین دسته‌بندی، پیشگیری از جرم را در سه خصیصه کلی توصیف می‌کند که به عنوان پیشگیری اولیه پیشگیری ثانویه و پیشگیری ثالث از آنها نام برده شده است (به عنوان

^۱ همان، ص ۷۳۷

^۲ همان، ص ۷۴۰

^۳ Crowe, 1991: 23

^۴ Stanwick, 2001, p 10

نمونه مراجعه فرمایید به: وان دیک و دی وارد^۱، (۱۹۹۱). دومین گروه از اقدامات پیشگیرانه شامل دسته‌بندی‌هایی مانند دسته‌بندی اومالی و ساتن^۲ (۱۹۹۷) است که مطابق آن رویکردهای پیشگیری از جرم بر اساس کاهش فرصت‌های جرم یا پیشگیری اجتماعی دسته‌بندی شده‌اند. مشابه همین تقسیم‌بندی، تونری و فارینگتون^۳ (۱۹۹۵) راهبردهای پیشگیری از جرم را با عناوین پیشگیری انتظامی^۴، پیشگیری توسعه‌ای^۵، پیشگیری جامعه-ای^۶ و پیشگیری وضعی^۷ تقسیم می‌کنند؛ در حالی که باتومس (۱۹۹۰) از پیشگیری‌های وضعی، اجتماعی و توسعه‌ای سخن می‌گوید. جرم شناس دیگری به نام شفت^۸ رویکردهای پیشگیری از جرم را به سه روش اصلی به شرح جدول زیر تقسیم نموده است:

جدول یک: تقسیم‌بندی انواع پیشگیری از نظر مکانیسم پیشگیری

۱	استفاده از سیستم عدالت کیفری (پلیس، دادگاه‌ها، زندان‌ها و غیره) برای بازداشتن مردم از ارتکاب جرم یا خارج ساختن آنان از چرخه جرم به نحوی که جرائم بعدی را مرتکب نشوند.
۲	کاهش فرصت‌های وقوع جرم. در انگلستان و امریکای شمالی، این کار پیشگیری وضعی از جرم نامیده می‌شود و معمولاً با اصلاح امنیت محیطی یا طراحی ساختمان‌ها و محله‌ها آغاز می‌شود.
۳	کاهش انگیزه ارتکاب جرم. این نوع از پیشگیری برخی مواقع پیشگیری از مجرمیت یا پیشگیری اجتماعی از جرم نامیده می‌شود.

پیشگیری اجتماعی و پیشگیری وضعی

این دسته‌بندی در حال حاضر رایج‌ترین دسته‌بندی از اقدامات پیشگیرانه به شمار می‌رود. جرم شناسان استرالیایی اهمیت فراوانی برای این تقسیم بندی قایلند.^۹ پیشگیری اجتماعی

¹ Van Dijk & De Waard

² O'Malley and Sutton

³ Tonry and Farrington

⁴ Law enforcement Prevention

⁵ Developmental Prevention

⁶ Community Prevention

⁷ Situational prevention

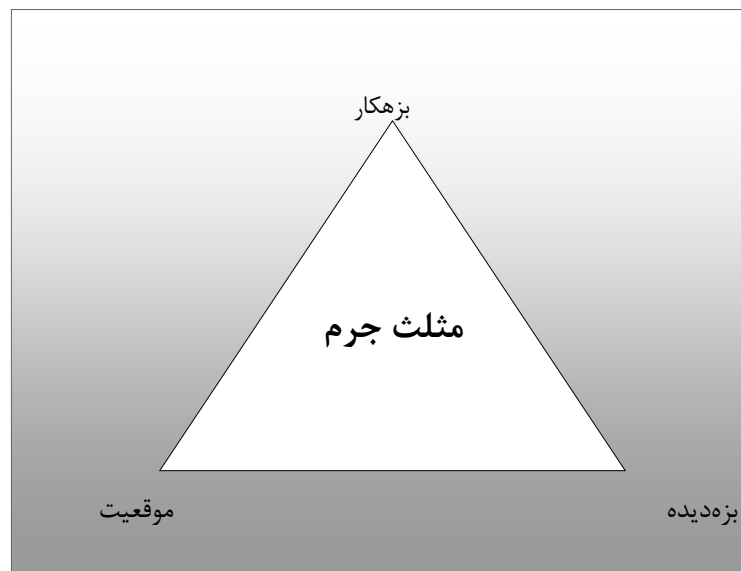
⁸ Shaftoe, 2002, p 1

⁹ Australian Institute of Criminology, 2002, p5

سعی دارد که علل و عوامل خطرزای بزهکاری و بزه‌دیدگی را مورد هدف‌گیری قرار دهد. این قسم از پیشگیری تلاش دارد که از تولید بزهکار یا بزه‌دیده جلوگیری کند. البته در اکثر متون غربی از این نوع پیشگیری با عنوان "پیشگیری از جرم از طریق توسعه اجتماعی" نیز نام برده شده است، اما، به نظر نگارنده، محدود نمودن پیشگیری اجتماعی به پیشگیری از طریق توسعه اجتماعی صحیح نیست زیرا توسعه اجتماعی تنها بخشی از راهبردهای پیشگیری اجتماعی است و نامیدن این دسته از پیشگیری با این نام جامعیت لازم را از آن سلب می‌کند. پیشگیری اجتماعی در واقع اقدامات مداخله‌ای در محیط عمومی و شخصی اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی را شامل می‌شود.^۱

از یک نظر پیشگیری اجتماعی از جرم به پنج زمینه تقسیم شده است:

۱. پیشگیری اوان کودکی یا پیشگیری رشدمدار؛
۲. پیشگیری از طریق رویکرد توسعه اجتماعی؛
۳. پیشگیری از طریق تمرکز بر نهادهایی مانند مدرسه یا مشاغل به جای تمرکز بر افراد؛
۴. پیشگیری از طریق انحراف مسیر بزهکاری گروه‌های در معرض خطر؛
۵. پیشگیری از طریق تغییر ارزش‌های اجتماعی توسط رسانه‌های مکتوب و غیرمکتوب.



شکل یک: مثلث جرم

^۱ نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۳، ص ۷۵۰

در مثلث تکوین جرم (شکل شماره یک)، یک راس مثلث شخص بزهکار و راس دیگر آن بزه‌دیده و راس سوم آن موقعیت یا وضعیت است. ارائه دهندگان نظریه پیشگیری وضعی یا پیشگیری موقعیت‌مدار معتقدند که هدف پیشگیری اجتماعی از بین بردن آن دسته از عوامل خطر جرم است که افراد را مستعد بزهکاری یا بزه‌دیدگی می‌کنند. اما در عمل اولاً هیچگاه نمی‌توان به حالتی رسید که تمام اقدامات پیشگیری اجتماعی به نتیجه برسد و دیگر هیچ بزهکار یا بزه‌دیده جدیدی به سطح جامعه اضافه نشود و ثانیاً روی همه بزهکاران موجود فعلی هم نمی‌توان صد در صد اقدامات اصلاحی انجام داد، فلذا از نظر منطقی چاره‌ای نداریم جز اینکه بپذیریم که پیشگیری اجتماعی به تنهایی ناقص است و باید در کنار آن تدابیر پیشگیرانه‌ای به کار بسته شود که با فرض وجود بزهکاران تحریک شده و بزه‌دیدگان بالقوه، موقعیت یا فرصت تقارن زمانی و مکانی میان بزهکاران و آماج جرم به وجود نیاید.

به نظر نگارنده، پیشگیری وضعی "مجموعه تدابیری است که هدف غایی آنها منصرف یا ناتوان ساختن مقطعی بزهکاران مصمم، از ارتکاب جرم است و از طریق برهم زدن موقعیت جرم صورت می‌گیرد". تکنیک‌های پیشگیری وضعی به ۵ دسته اصلی تقسیم می‌شوند: افزایش تلاش و زحمت ارتکاب جرم^۱، افزایش خطرات قابل پیش بینی جرم، کاهش منافع قابل پیش بینی جرم، کاهش تحریک بزهکاران و بالاخره، حذف بهانه‌ها.

انواع پیشگیری از جرم در رهنمودهای سازمان ملل متحد

سازمان ملل متحد در رهنمودهای خود برای پیشگیری از جرم و بی‌نظمی، دو تقسیم‌بندی از پیشگیری ارائه و مصادیق آن را جهت اجرا به دولت‌های عضو توصیه کرده است. به دلیل ارتباط موضوعی همایش با برنامه توسعه سازمان ملل متحد، به تقسیم‌بندی پیشگیری از جرم از دیدگاه سازمان مذکور نیز نگاهی اجمالی خواهیم داشت.

الف - پیشگیری اولیه و پیشگیری از تکرار جرم

شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد در بند (۱) بخش D قطعنامه شماره ۱۹۹۵/۹ خود به همه کشورهای عضو توصیه کرده است که از طریق تدابیر زیر به "پیشگیری اولیه" از جرم بپردازند:

^۱ Increase the perceived effort of crime

الف. از طریق ترویج تدابیر پیشگیری وضعی، مانند سخت‌تر کردن هدف و کاهش فرصت؛

ب. از طریق توسعه رفاه و سلامت و به وسیله مبارزه با تمام اشکال محرومیت اجتماعی؛

پ. از طریق ارتقای ارزش‌های اجتماعی و احترام به حقوق اساسی بشر؛

ت. از طریق ارتقای مسئولیت مدنی و رویه‌های میانجیگری اجتماعی؛

ث. از طریق تسهیل انطباق شیوه‌های کاری پلیس و دادگاه‌ها (با یکدیگر).^۱

بند (۲) بخش D قطعنامه شماره ۱۹۹۵/۹ شورای اقتصادی و اجتماعی خود در

کنار پیشگیری اولیه از پیشگیری از تکرار جرم نیز نام برده است. برای نیل به این پیشگیری راه‌کارهای زیر توصیه شده است:

الف. کارآمد ساختن شیوه‌های مداخله پلیس (واکنش سریع، مداخله در قالب جامعه محلی و غیره)

ب. کارآمد کردن شیوه‌های مداخله قضایی و اجرای راه‌کارهای جایگزین، از قبیل:

۱. تنوع بخشیدن به شیوه‌های برخورد و اتخاذ تدابیری بر اساس ماهیت و اهمیت

موضوع (تنوع طرح‌ها، میانجیگری، دادرسی ویژه خردسالان و غیره)

۲. انجام تحقیقات سازمان‌یافته در مورد بازسازی^۲ بزهکاران درگیر در

جرائم شهری از طریق اجرای مجازات‌های جایگزین حبس؛

۳. حمایت اجتماعی- آموزشی در چارچوب مجازات حبس و آماده‌سازی

(محکومین) برای آزادی از زندان؛

پ. اعطای نقش فعال به جامعه در مورد بازتوانی^۳ بزهکاران؛^۴

ب- پیشگیری اجتماعی، وضعی و پیشگیری از شکل‌گیری جرائم سازمان‌یافته

شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد در قطعنامه شماره ۲۰۰۲/۱۳ خود این بار تقسیم‌بندی دیگری را مدنظر قرار داده و پیشگیری از جرم را به پیشگیری از طریق توسعه اجتماعی و پیشگیری وضعی و پیشگیری از شکل‌گیری جرائم سازمان‌یافته^۵ تقسیم نموده است.

¹ Promoting the Prevention of Crime, 2004, p 8

² Reintegration

³ Rehabilitation

⁴ UN, 2004, pp 8-9

⁵ Prevention of Organized Crime

سازمان ملل متحد در ماده ۲۵ قطعنامه فوق الذکر و تحت عنوان **پیشگیری از جرم از طریق توسعه اجتماعی**، به دولت های عضو توصیه می کند که عوامل خطر جرم و بزه دیدگی را از طرق زیر مورد هدف قرار دهند:

- (الف) ترویج عوامل حمایتی از طریق برنامه های جامع و موفق توسعه اجتماعی و اقتصادی از جمله در زمینه بهداشت، تحصیل، مسکن و اشتغال؛
- (ب) ترویج فعالیت هایی که حاشیه نشینی و محرومیت را مورد هدف قرار دهند؛
- (پ) ترویج راه حل های برخورد مثبت؛
- (ت) استفاده از راهبردهای آموزش و آگاه سازی عمومی برای رواج فرهنگ قانون مداری و انعطاف در عین احترام به هویت های فرهنگی.^۱
- ماده ۲۶ قطعنامه شماره ۲۰۰۲/۱۳ سازمان ملل متحد، دولت ها و جامعه مدنی را مکلف می کند که از طرق زیر از توسعه برنامه های پیشگیری وضعی از جرم حمایت کنند:
- (الف) اصلاح طراحی محیطی؛
- (ب) اعمال روش های مناسب نظارتی سازگار با حریم خصوصی افراد؛
- (پ) تشویق طراحی مقاوم تر کالاهای مصرفی در برابر جرم؛
- (ت) سخت تر کردن آماج جرم، بدون لطمه به کیفیت محیط یا محدود کردن حق دسترسی به فضاهای عمومی؛
- (ث) اجرای راهبردهایی برای پیشگیری از بزه دیدگی مکرر.^۲
- ماده ۲۷ قطعنامه شماره ۲۰۰۲/۱۳ سازمان ملل نیز توصیه می کند که دولت ها و جامعه مدنی تلاش کنند که روابط بین جرائم سازمان یافته فراملی، ملی و محلی را تجزیه و تحلیل و مورد بررسی قرار دهند، از جمله با طرق زیر:
- (الف) کاهش فرصت های فعلی و آتی گروه های جرائم سازمان یافته جهت مشارکت در بازارهای غیرقانونی از طریق تدابیر مناسب تقنینی، مدیریتی و غیره؛
- (ب) رواج تدابیری برای پیشگیری از سوءاستفاده گروه های جرائم سازمان یافته از رویه جاری ادارات دولتی و سوبسیدها و مجوزهای صادره توسط مقامات عمومی برای فعالیت های اقتصادی؛
- (پ) حسب مورد، طراحی راهبردهای پیشگیری از جرم برای حمایت از گروه های حاشیه ای اجتماعی (مخصوصاً زنان و کودکان)، که در برابر اقدامات باندهای جرائم سازمان یافته (از قبیل قاچاق انسان و مهاجران) آسیب پذیر هستند.^۳

^۱ UN, 2004, p 17

^۲ Ibid, pp 17-18

^۳ UN, 2004, p 18

ناجا و وظیفه خطیر تامین امنیت انسانی در کشور

نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران که به موجب قانون تشکیل نیروی انتظامی مصوب ۱۳۶۹/۴/۲۷ از ادغام شهربانی و ژاندارمری و کمیته انقلاب اسلامی به وجود آمده است، به موجب ماده ۳ قانون مذکور وظیفه استقرار نظم و امنیت و تامین آسایش عمومی و فردی و پاسداری از دستاوردهای انقلاب اسلامی را بر عهده دارد.

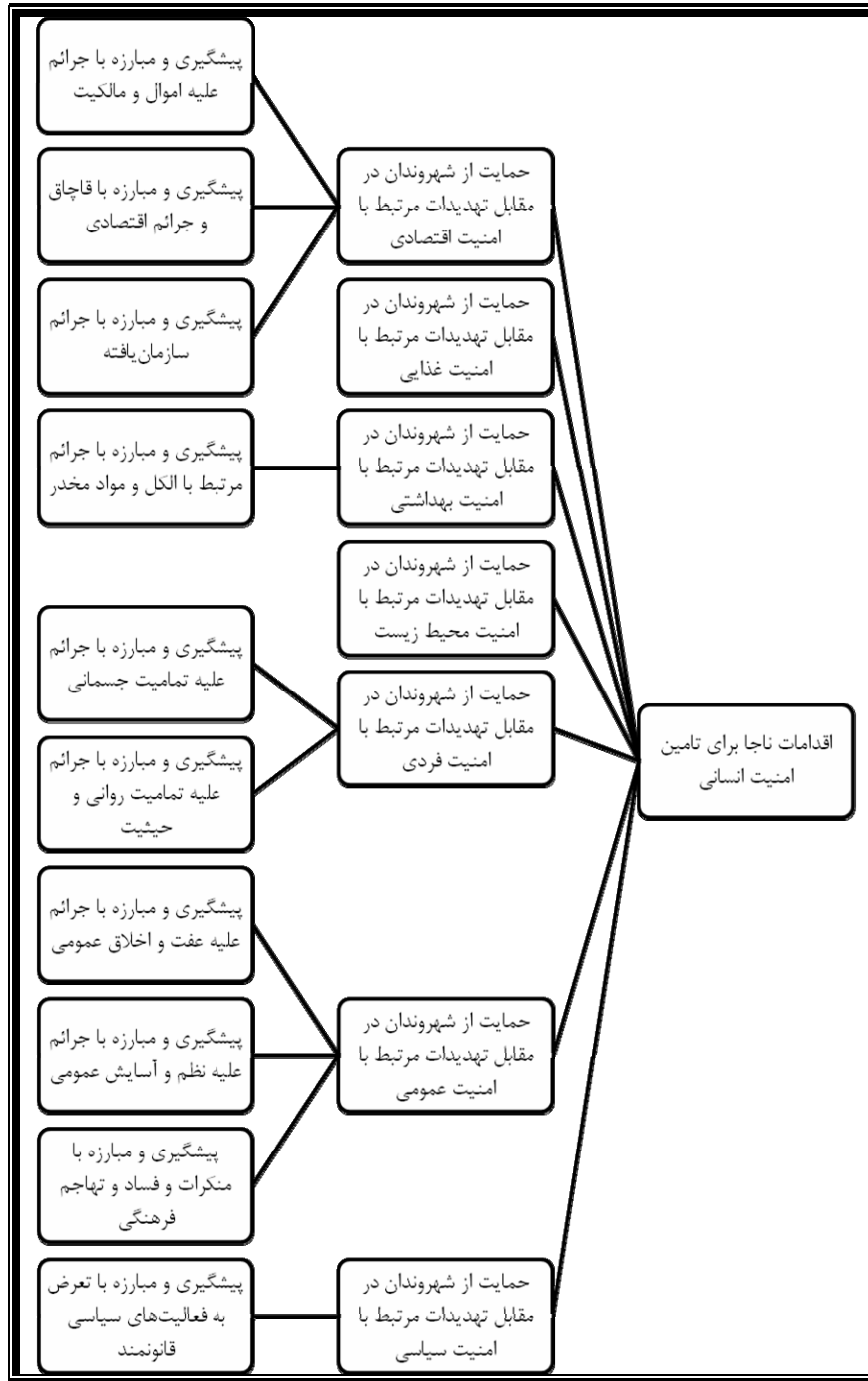
امنیت انسانی با حوزه‌های هفتگانه مرتبط با آن، نیز بالطبع در مأموریت نیروی انتظامی قرار می‌گیرد زیرا استقرار نظم و امنیت و تامین آسایش فردی و عمومی از ملزومات امنیت انسانی هستند و به عنوان مبنا و پایه آن به شمار می‌روند.

اقدامات ناجا در هر یک از حوزه‌های امنیت انسانی به اختصار در شکل شماره ۲ نشان داده شده است. البته شکل مذکور از اطلاعات و تجربیات شخصی مولف استخراج شده و انجام تحقیق کامل‌تر در این حوزه ممکن است اقدامات و فعالیت‌های دیگری از نیروی انتظامی را جلوه‌گر نماید که ممکن است نگارنده نسبت به آنها فاقد آگاهی بوده است.

راهبردهای ناجا برای پیشگیری از جرم

همانگونه که قبلاً گفته شد، ناجا نیز همانند بسیاری از پلیس‌های پیشرفته جهان، انجام مداخلات پیشگیرانه برای مبارزه با جرم و ناامنی را در اولویت کاری خود قرار داده و حتی سال ۱۳۸۷ از سوی فرماندهی ناجا به عنوان سال پیشگیری از جرم نامگذاری شده است. موفقیت سازمان پلیس در تحقق پیشگیری انتظامی از جرم مستلزم عوامل متعددی است که یکی از آنها وجود راهبردهای روشن و دقیق پیشگیری از جرم است.

- راهبردهای متعددی برای پیشگیری از جرم در سراسر جهان اتخاذ شده است که اشاره به آنها خارج از فرصت این مقاله است و ما در این مقال به دنبال ذکر آنها نیستیم بلکه صرفاً مجموعه راهبردهایی را که پلیس ایران در حال حاضر در امر پیشگیری از جرم و ناامنی به منظور تامین امنیت انسانی مورد استفاده قرار می‌دهد، مورد بررسی اجمالی قرار خواهیم داد. پیش از شروع این بخش از سخن، اشاره به دو نکته ضروری است:



شکل دو: اهم اقدامات ناجا برای تامین امنیت انسانی

- باید یادآوری شود که ناجا از بسته‌ای از راهبردهای متعدد استفاده می‌کند به نحوی که در یک محله یا یک شهر ممکن است بطور همزمان از چند راهبرد استفاده شود.
- برخی از راهبردهای ناجا برای پیشگیری از جرم درون سازمانی و برخی دیگر، برون سازمانی هستند. از راهبردهای درون سازمانی می‌توان به رویکردهایی مانند انجام اصلاحات سازمانی و تمرکز زدایی از اقدامات پیشگیرانه، ارتقای آموزش و آگاهسازی کارکنان، تدوین اخلاق حرفه‌ای پلیس، تقویت نظارت سازمان بر کارکنان به منظور کسب اعتماد عمومی و اقدامات دیگری از این دست اشاره کرد. این مقاله صرفاً به ذکر راهبردهای برون‌سازمانی ناجا خواهد پرداخت.

۱. راهبرد جامعه محوری

نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران از حدود یک دهه پیش، با تشکیل معاونت اجتماعی توجه خود را به ارتقای جامعه‌محوری در انجام اقدامات خود منعطف نموده است. بر اساس این راهبرد، نیروهای پلیس به تنهایی نمی‌توانند روند جرم و بی‌نظمی را مهار کرده و کنترل اجتماعی را اعمال کنند؛ آنها برای پیشگیری از جرم و حل مشکلات محلی، نیاز به همکاری و کمک گروه‌های اجتماعی و انجمن‌ها، دارند. توفیق در اجرای راهبرد جامعه‌محوری مستلزم حضور مشهود پلیس در جامعه، اطلاع‌رسانی به مردم، عمل به عنوان الگو و مربی، حمایت از بزه‌دیدگان، و کمک به شکل‌گیری و ارتقای مشارکت‌های پیشگیری از جرم توسط پلیس است. اینک بطور خلاصه هر یک از این فعالیت‌ها را توضیح می‌دهیم.

۱-۱- حضور مشهود در جامعه و محله‌ها: پلیس می‌تواند به عنوان بخشی از یک رویکرد جمعی به امنیت، در محله‌ها حضور مشهود داشته باشد. اغلب اوقات، هدف از برنامه‌های حضور مشهود پلیس در جامعه، بازدارندگی از جرم از طریق حضور قوی پلیس در صحنه، برقراری نظارت و ایجاد اطمینان عمومی در مورد امکان دسترسی سریع به پلیس است. بسیاری از شیوه‌های رایج برای حضور مشهود پلیس عبارت از گشت پیاده، گشت سواره با اسب، گشت سواره با دوچرخه هستند. افزایش ترس از جرم، نگرانی در مورد رفتار ضد اجتماعی در میان ساکنان، و بازار رو به رشد برای ابزارهای امنیتی در برخی موارد دولت‌ها را وادار به اولویت دادن به رفع ترس از جرم در سطح ملی نموده است (مانند شیلی، استرالیا، انگلستان) و الزام رو به رشدی توسط شهروندان برای حضور مشهود پلیس

در جامعه وجود داشته است. مستندات موجود وجود رابطه مثبت بین گشت‌های پیاده و کاهش ترس از جرم را اثبات کرده است.^۱

هر چند که حضور مشهود پلیس در جامعه می‌تواند هزینه‌بر باشد، اما، موجب هدایت خدمات پلیسی به نقاط جرم‌خیز و مناطقی که از آنها تماس بیشتری با پلیس گرفته شده، می‌گردد. به عنوان مثال در انگستان موقعیت ماموران پلیس حمایت اجتماعی^۲، در نتیجه تصویب قانون اصلاح سازمان پلیس مصوب ۲۰۰۲ تثبیت شد. افسران پلیس حمایت از جامعه، به وسیله حضور مشهود در جامعه و کمک به حصول اطمینان در جامعه از حضور موثر پلیس از طریق برخورد با موارد ایجاد مزاحمت و رفتار ضد اجتماعی موجب تقویت احساس امنیت در جامعه می‌شوند.^۳ حد اعلاای حضور مشهود پلیس در جامعه، تحقق پلیس در دسترس و مجاور^۴ است. این الگوی پلیسی نیز مشابه راهبردهای کاری و سازماندهی الگوهای پلیس جامعه محور، بدواً مبتنی بر تفکر برقراری مشارکت موثر بین پلیس و جامعه محلی برای تامین امنیت و حفظ نظم است. یک نیروی پلیس قابل دسترس و نزدیک با مردم، به اصول پلیس جامعه محلی (مسئولیت جغرافیایی، تمرکز زدایی و سازماندهی سرزمینی) متعهد است.

۱-۲- اطلاع رسانی به جامعه: پلیس می‌تواند از طریق ارائه اطلاعات کلی در مورد شیوه‌های اجتناب از بزه‌دیدگی به جامعه به پیشگیری از جرم کمک کند. ماموران پلیس می‌توانند از طریق مدارس برای ارائه سخنرانی در مورد رانندگی در حین مستی، امنیت دوچرخه‌سواری، امنیت اتوبوس، قلدری و سوء استعمال مواد مخدر، دعوت شوند.

پسپاری از ادارات پلیس تاکنون آموزش‌های پیشگیری از جرم برای تجار در مورد نحوه محافظت از کار و کسب‌شان در برابر جرائم بازرگانی، برای ساکنین محلی در مورد محافظت از منازلشان در برابر سرقت، برای مقامات مجتمع‌های مسکونی در مورد نحوه مداخله در موارد بی‌نظمی، برای کودکان و نوجوانان در مورد نحوه برخورداری از امنیت شبکه و غیره را برگزار کرده‌اند.

پلیس همچنین می‌تواند در آگاه‌سازی عمومی و تبلیغات رسانه‌ای به منظور تغییر گرایش‌ها و رفتارها در مورد جرم و خشونت شرکت نموده و برای جلوگیری از بزهکاری نوجوانان، زنان، اقلیت‌های فرهنگی و افراد ناتوان جلوگیری کند.^۵

¹ Capobianco, 2007, pp 11- 12

² Police Community Support Officers (PCSO)

³ Capobianco, 2007, p 12

⁴ Accessible/Proximity police

⁵ Capobianco, 2007, p 14

۳-۱- عمل به عنوان مربی و الگو: ماموران پلیس می‌توانند از تلاش‌های پیشگیری از جرم از طریق مربیگری برای نوجوانان درگیر در مشکلاتی نظیر بیکاری طولانی، سوء استعمال مواد مخدر و از هم پاشیدگی کانون خانوادگی، حمایت کنند. برنامه‌های مربیگری در اروپا، کانادا و استرالیا نشان داده است که برنامه‌های مربیگری برای نوجوانان در معرض خطر می‌توانند فواید زیر را داشته باشند: افزایش اعتماد به نفس، افزایش مشارکت در زندگی مدنی، اصلاح نگرش در مورد پلیس، و همچنین اصلاح نگرش پلیس نسبت به نوجوانان.^۱

۴-۱- حمایت از بزه‌دیدگان: بزه‌دیدگان اغلب نیاز به مراقبت و حمایت فوری، قوت قلب و در برخی موارد مشاوره دارند. ارائه حمایت قوی به بزه‌دیدگان، اعتماد عمومی را به پلیس برقرار کرده و بزه‌دیدگان را ترغیب به گزارش موارد جرم به پلیس و درخواست کمک از آن می‌کند. پلیس می‌تواند از طرق زیر نسبت به حمایت از بزه‌دیدگان اقدام کند:

- ارجاع افراد و خانواده‌های در معرض خطر به نهادهای مناسبی مانند مسکن، ترک اعتیاد به الکل و مواد مخدر، مداخلات اوان کودکی، برنامه‌های مرتبط با والدین، ارائه مشاوره برای افراد مورد سوء استفاده جنسی، قربانیان جرم و کودکان شاهد سوء استفاده جنسی. در کبک ۱۵ سازمان عمومی وجود دارند که به عنوان مراکز کمک به بزه‌دیدگان نامیده می‌شوند که خدمات مستقیم و فوری به بزه‌دیدگان، خانواده آنان، و شاهدان جرم ارائه می‌کنند. مراکز حمایت از بزه‌دیدگان از نزدیک با نمایندگانی از پلیس، دادگستری، شبکه خدمات بهداشتی و اجتماعی و سازمان‌های عمومی کار می‌کنند.

- برقراری سیستم ویژه‌ای برای حمایت از بزه‌دیدگان در درون اداره پلیس به عنوان راهی برای پاسخگویی به نیاز بزه‌دیدگان. در فرانسه از دهه ۱۹۹۰ به بعد مددکاران اجتماعی در ادارات پلیس ملی در شهرهای معین و ژاندارمری حضور دارند. آنان سایر خدمات را به بزه‌دیدگان ارائه می‌دهند. این خدمات شامل کمک‌های اولیه به بزه‌دیدگان خاص و برقراری ارتباط بین بزه‌دیدگان و سرویس خدمات اجتماعی سنتی است. در سیرالئون پلیس بخش حمایت از خانواده^۲ را ایجاد کرده است که هدف آن بهبود ارائه خدمات به قربانیان جرائم جنسی و خشونت‌های خانوادگی و آگاهسازی عمومی در مورد این جرائم است. کارکنان این بخش بطور مشترک توسط پلیس و مددکاران اجتماعی تامین

^۱ Capobianco, 2007, p 15

^۲ Family Support Units

می‌شوند. در تاسمانیای استرالیا هر یک از بخش‌های چهارگانه یک تیم امداد به بزه‌دیدگان^۱ دارد که خدمات متنوعی برای بزه‌دیدگانی که در وضعیت بحرانی قرار دارند، ارائه می‌دهد.^۲

۱-۵- کمک به شکل‌گیری و ارتقای مشارکت‌های پیشگیری از جرم: همانگونه که

در رهنمودهای سازمان ملل متحد مورد تاکید قرار گرفته است، یکی از اصول کلیدی پیشگیری از جرم استفاده از راهبردهایی است که بر مبنای ایجاد همکاری و مشارکت بین موسسات دولتی و وزارتخانه‌ها، سازمان‌های عمومی و غیردولتی، بخش بازرگانی و جامعه مدنی است. پلیس می‌تواند با ارائه اطلاعات در دو زمینه به برقراری مشارکت‌های پیشگیری از جرم کمک کند: ارائه دسترسی به آمار جرم و اطلاع‌رسانی در مورد برنامه‌های موفق پیشگیری از جرم توسط ادارات پلیس.

پیشگیری از جرم مستلزم ارائه اطلاعات دقیق جمع‌آوری شده در مراحل مختلف فرایند پیشگیری از جرم (آسیب‌شناسی، تهیه و اجرای طرح پیشگیری از جرم، نظارت و ارزیابی) است. به ویژه پلیس می‌تواند دسترسی به اطلاعات آماری در مورد جرم و گرایش‌های مجرمانه را برای اعضای محلی دخیل در آسیب‌شناسی علل جرم ارائه دهد. این کمک بسیار مهمی به ایجاد تصویری قوی از وضعیت منطقه کرده و تجزیه و تحلیل و تصمیم‌گیری را اصلاح و به هدف‌گیری منابع جرم کمک می‌کند.^۳ به عنوان مثال، در نروژ پلیس شرکت‌های تاکسیرانی را از ارتکاب جرائم مرتبط با الکل در صف‌های انتظار تاکسی، مطلع می‌کند. این اطلاعات به شرکت‌های تاکسیرانی اجازه می‌دهد که تدابیری مانند اعزام تاکسی بیشتر در ساعات شب و استخدام افرادی برای کنترل صف‌های تاکسی و جلوگیری از وقوع جرم در مناطق جرم‌خیز، اعمال کند.

همچنین تمایز قایل شدن و محافظت از اطلاعاتی که قانون آنها را کاملاً محرمانه می‌داند، حایز اهمیت است (به عنوان مثال، اطلاعات شخصی کسانی که مورد اتهام قرار گرفته یا از زندان آزاد شده‌اند) یا اطلاعاتی که حیطة‌بندی خاصی در میان افراد پلیس دارند (مانند ساعات گشت، مشخصات محله‌هایی که از جرائم خاصی برخوردارند).^۴

اما برای نهادهای دیگر می‌تواند مشکلاتی در کسب اطلاعات از پلیس وجود داشته باشد مانند عدم دسترسی به افراد متخصص در سازمان پلیس برای استخراج اطلاعات محلی، عدم حمایت سازمانی، مقاومت در کارکنان پلیس برای تبادل اطلاعات با طرف‌های ناآشنا (در مواردی که اعتماد محکمی ایجاد نشده باشد)، عدم وجود قرارداد یا

^۱ Victim Safety Response Team (VSRT)

^۲ Capobianco, 2007, pp 16- 17

^۳ Ibid, pp 17- 18

^۴ Capobianco, 2007, p 18

توافقنامه همکاری بین طرفین و فقدان آگاهی در مورد فواید تبادل اطلاعات. البته این مشکل تبادل اطلاعات منحصر به اداره پلیس نبوده و بسیاری از نهادهای دولتی نیز این مشکل را دارند. ابزارها، راهبردها و شیوه‌های زیادی وجود دارند که دسترسی به تبادل اطلاعات ارزشمند را تسهیل می‌کنند. به عنوان مثال در انگلستان و ولز، بخش کاهش جرم وزارت کشور انگلستان کتابچه راهنمایی را تهیه کرده است که بهترین شیوه‌ها و تجربیات موجود در مورد تبادل اخبار و اطلاعات و رویه اثربخش جمع‌آوری اطلاعات را معرفی کرده است.

پلیس همچنین می‌تواند اطلاعات را از طریق سازمان پلیس (افسران گشت، تحقیقات، افسران ارشد و غیره) در مورد پلیس موفق جامعه‌محور و مشارکت‌های مربوط به تامین امنیت به مردم ارائه دهد. این امر مخصوصاً در تحول فرهنگ سازمانی پلیس واجد اهمیت است و موجب توجه بیشتر و دقت نظر پلیس در کسب مهارت‌های لازم برای بهبود امنیت محله‌ها می‌شود.

برخی از ادارات پلیس در کشورهایی مانند نیوزلند، شیلی و افریقای جنوبی، نروژ و استرالیا به دنبال تهیه یا اصلاح شاخص‌های اجرایی برای ارزیابی کار پلیس هستند. در امریکا، موسسه دادگستری "ورا"^۱ در حال انجام مطالعه‌ای در مورد نحوه نظرسنجی از مردم در مورد عملکرد پلیس است. این موسسه با همکاری پلیس نیویورک در صد جمع‌آوری اطلاعات دقیق‌تر در مورد دیدگاه مردم نسبت به پلیس است. در کانادا، مرکز ملی پیشگیری از جرم کتابچه کاربردی را برای پلیس کانادا و نهادهای دیگری که با پلیس در مشارکت‌های پیشگیری از جرم همکاری می‌کنند، برای کمک به ارزیابی برنامه‌های پیشگیری از جرم، تهیه کرده است.^۲

علیرغم اینکه ممکن است در برخی از نقاط جهان پاسخگویی و شفافیت پلیس دشوار باشد، پلیس عمومی امنیت را به عنوان یک متاع عمومی ارائه می‌دهد و در نتیجه نقش مهمی در مدیریت امنیت دارد. نیروهای پلیس می‌توانند در سازمان‌های خود از طریق تسهیل و هماهنگی برنامه‌های خلاقانه جدید پیشگیری از جرم، نوآوری کنند.^۳

۲. راهبرد حل مسئله

این راهبرد نیز از راهبردهایی است که برای برخورد ریشه‌ای با جرم و ناامنی توسط ناجا مورد استفاده قرار می‌گیرد. البته در حال حاضر رویکرد مطلوب از حل مسئله هم فراتر رفته

¹ The Vera Institute of Justice

² Capobianco, 2007, p 19

³ Ibid, pp 19-20

و به عنوان پیشگیری از ظهور مسئله جلوه گر شده است. راهبرد حل مساله در پیشگیری از جرم می تواند به عنوان یک رویکرد سیستمی به پیشگیری از جرم تعریف شود که شامل شناسایی و تحلیل جرم بالفعل یا بالقوه گردیده و منجر به اجرای تدابیری به منظور کاهش یا پیشگیری از جرم شود.

اعمال رویکرد حل مساله در مورد یک جرم نخست با شناسایی جرم بالقوه یا بالفعل آغاز می شود. این شناسایی بر اساس گردآوری اطلاعات مختلف در مورد آمار جرم، اطلاعات وقایع نگاری و جزئیات ارائه شده توسط نهادهای ذیربط محلی، ادارات و اعضای جامعه صورت می گیرد. سپس این اطلاعات برای درک بهتر مسائل مرتبط با جرم و شناسایی راهبردهای مناسب مورد تجزیه و تحلیل قرار می گیرد. پس از اجرای این راهبردها، که همچنین شامل یک مرحله نظارت می شود، یک ارزیابی برای تصمیم گیری در مورد میزان تاثیر راهبردهای اجرا شده بر جرم و تعدیل راهبردها مورد نیاز است.^۱

حل مساله محدود به مسائل محلی و پروژه های کوچک نمی شود. انواع خاصی از جرم (به عنوان مثال شکستن حرز و ورود به منزل یا سرقت وسایل نقلیه) و گروه های خاص (مانند قربانیان خشونت های خانوادگی) می توانند با استفاده از رویکرد حل مساله مورد هدف قرار گیرند. با جمع آوری، تحلیل و تفسیر اطلاعات مرتبط و قابل اعتماد مربوط به جرم، راهبردهای مناسب پیشگیری قابل اعمال خواهند بود. راهبرد حل مساله در بر دارنده مراحل زیر است:

۱. کسب آمار خاص محلی جرم و اطلاعات مرتبط با آن، از جمله اطلاعات وقایع نگاری؛
۲. تحلیل اطلاعات و تفسیر آن؛
۳. تعیین جایگاه اولویت ها در مسائل جرم، جمع آوری اطلاعات تکمیلی و شناسایی منابع قابل حصول و راه های ممکن برای مداخله؛
۴. پیشنهاد راهبردهای ترکیبی پیشگیری برای هر مساله جرم؛
۵. اجرای راهبرد، و
۶. نظارت و ارزیابی.^۲

پلیس مسئله محور سه اصل کلی را در بر می گیرد. اولین اصل که کاربردی است حاکی از آن است که جامعه پلیس را وادار می کند که با طیف وسیعی از مسائل سر و کار داشته باشد. اصل دوم که یک اصل هنجاری است، ادعا می کند که از پلیس انتظار می رود مسائل را کاهش دهد به جای آنکه به نحو ساده ای به حوادث واکنش نشان داده و اعمال

^۱ Crime Prevention Fact Sheet C, 2007,p1

^۲ Ibid

قانون کند. اصل سوم که یک اصل علمی است، بیانگر آن است که پلیس باید رویکردی علمی به مسائل داشته باشد. پلیس باید رویکردهای تحلیلی تهیه و مداخلاتش مبتنی بر نظریه‌های قابل قبول و مستندات باشد درست مانند تصمیم پزشکان که توقع می‌رود مبتنی بر علم پزشکی باشد.^۱

۳. راهبرد انعطاف صفر

این راهبرد نیز توسط ناجا در پیشگیری از جرائم باندي و شرارت‌های محله‌ای و همچنین مزاحمت‌های ناموسی مورد استفاده قرار می‌گیرد. طرح ارتقای امنیت اجتماعی از آثار استفاده از این راهبرد در خصوص گروه خاصی از بزهکاران است. نظریه "انعطاف صفر" (۱۹۹۴) از نظریه پنجره‌های شکسته نشأت گرفته است. پیروان این نظریه معتقد بودند که از آنجا که مماشات و تحمل جرائم خرد یا بزهکاری گروه خاصی از افراد مانند اطفال و نوجوانان یا برخی جرائم مانند حمل غیرقانونی سلاح گرم، زمینه را برای وقوع جرائم جدی‌تر در آتیه فراهم می‌کند، علیهذا باید با جرائم و بزهکاران مذکور با شدت عمل برخورد کرد تا از گسترش دامنه بزهکاری جلوگیری کرد. آنان خواستار تفویض اختیارات کامل سرکوبی شدید بزهکاری اطفال و متکدیان و افراد بی‌سرپناه به پلیس هستند.

در حال حاضر این رویکرد با جدیت در برخی از ایالت‌های امریکا و برخی کشورهای اروپایی اجرا می‌شود. اما، این نظریه نیز همانند سایر نظریات جرم‌شناسانه، با انتقاداتی مواجه بوده است. یکی از ایرادات وارد شده، این است که نظریه انعطاف صفر مسائل اجتماعی را با واژه‌های امنیتی بازگویی می‌کند و به فقرا بسان بزهکاران می‌نگرد و جرائم را به آن دسته از جرائم خیابانی که نوعاً توسط افراد سطح پایین جامعه ارتکاب می‌یابد، تنزل می‌دهد و جرائم یقه سفیدی را رها می‌کند.^۲ حتی ادعا شده که بر خلاف اظهار طرفداران این نظریه، در بررسی نمونه‌های تاریخی اعمال سیاست انعطاف صفر، تمام مطالعات علمی به این نتیجه رسیده‌اند که چنین سیاست‌هایی نقش راهبردی در کاهش جرم ندارند. بطور مثال با توجه به اینکه سیاست انعطاف صفر در سال ۱۹۹۳ در نیویورک و با روی کار آمدن رادلف جولینانی آغاز شده بود و تصور می‌شد که کاهش نرخ جرم در نیویورک به سبب اعمال رویکرد پلیسی انعطاف صفر بوده است، لیکن تحقیقات بعدی معلوم کرد که در همان دوره زمانی، کاهش جرم در سایر شهرهای بزرگ امریکا (حتی در شهرهایی که رویکرد امنیتی متضاد با رویکرد انعطاف صفر داشته‌اند) نیز نرخ مشابهی

¹ Brodeur, 2007, p 17

² Zero tolerance, [on line] [http:// en.wikipedia.org/wiki/Zero_tolerance](http://en.wikipedia.org/wiki/Zero_tolerance)

داشته است، علاوه بر آن، در سال های ۱۹۹۷-۱۹۹۴ هم که شهر نیویورک از سیاست پلیسی مشابه زمان جولیانای برخوردار بود، نرخ جرم نه تنها کاهش نداشته بلکه رو به رشد هم بوده است.^۱

۴. راهبرد تمرکز بر نقاط و ساعات پر جرم

اثر بخشی این راهبرد در عمل برای نیروهای صحنه ای پلیس به اثبات رسیده و گشت های پیشگیرانه جدول زمانی خود را بر اساس زمان ها و مکان های پر جرم تنظیم می کنند. بر اساس این راهبرد تمرکز اقدامات پلیس بر زمان ها و مکان های پر جرم موثرتر از توزیع توان پلیس در تمام نقاط و تمام زمان ها است. مطالعات متعددی که در کشورهای مختلف در این خصوص انجام شده، اثر بخشی اقدامات پیشگیرانه پلیس در این مناطق را نشان می دهد. اداره پلیس شهر مینیا پلیس^۲ در سال ۱۹۸۸ تمام نیروی گشت خود را برای تست الگوی گشت های هدایت شده در نقاط جرم خیز و در طول زمان های جرم خیز سازماندهی کرد. اداره مذکور به منظور اعزام دو الی سه ساعت گشت اضافی در هر روز در طی ساعات پر جرم و ۵۵ خیابان جرم خیز (با جلب نظر اعضای شورای شهر)، گشت های خود را در مناطق کم جرم به میزان قابل توجهی کاهش داد. خیابان های مورد نظر برای گشت های اضافی از میان فهرستی از ۱۱۰ موقعیت مجزای جرم خیز انتخاب شده بودند (برگر، پتروزینو و کوهن^۳، ۱۹۹۵) هم نقاط جرم خیز گشت زده شده و هم گشت زده شده به میزان ۷۰۰۰ ساعت به طور تصادفی تحت نظارت محققین مستقل در طول یک سال قرار گرفت. ناظرین دقیقه به دقیقه ۲۴۸۱۳ مورد حضور پلیس در نقاط جرم خیز، و ۴۰۱۴ مورد جرم و بی نظمی را ثبت کردند. (کوپر، ۱۹۹۵، ص ۶۵۶).

در مجموع، با اینکه مستندات عملی اندکی در پشتیبانی از مؤثر بودن افزایش نیروی پلیس در صحنه وجود دارد، اما دلایل علمی قوی و هماهنگ برای پشتیبانی از راهبرد تقویت گشت های پلیس در مکان ها و زمان های جرم خیز، وجود دارد. گشت زنی در مناطق کم جرم احتمال بهبود امنیت را به دنبال ندارد، اما گشت زنی بیشتر در مناطق جرم خیز می تواند مؤثر باشد.

^۱ Ibid

^۲ Minneapolis Police Department (MPD)

^۳ Buerger, Petrosino and Cohn

۵- راهبرد استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات در امر پیشگیری

در حال حاضر ناجا رشد بسیار شتابانی در استفاده از فناوری‌های نوین در انجام مأموریت پیشگیری از جرم دارد. امروزه، پلیس فن‌آوری بیشتر با مشهودترین عناصر خود شناخته شده است. این عناصر شامل موارد زیر است: به روزآوری اطلاعات رایانه‌ای در مورد جرم، تحلیل جرم، و تهیه نقش پیشرفته جرم به عنوان مبنایی برای نشست‌های راهبردی تعاملی که مدیران را در مورد راهبردها و راه‌حل‌های خاص جرم در مناطق تحت مدیریت‌شان پاسخگو نگه می‌دارد.

اما، فن‌آوری، محصول بسیار پیچیده‌ای از تحولات مدیریتی و ترتیبات سازمانی شامل فشردگی سازمان، تمرکززدایی، اختیارات بیشتر برای کارکنان، صلاحدید و خودمختاری، پاسخگویی مدیریت محلی و افزایش مسئله محوری. به نظر ژان برودر و بر اساس تجارب نیویورک، فن‌آوری پلیسی نمی‌تواند موجود کاملاً قابل حیاتی باشد در صورتی که فعالیت‌های اجرایی، مدیریتی و عملیاتی فوق قبل از آن وجود نداشته باشد.^۱

۶- راهبرد افزایش اعتماد

ناجا نیز همانند سایر سازمان‌های آینده‌نگر پلیس به دنبال افزایش روزافزون اعتماد عمومی به عنوان یک سرمایه و پشتوانه ملی در انجام مأموریت‌های خود است. پلیس مبتنی بر اطمینان آفرینی الگویی از پلیس محله‌ای است که به دنبال بهبود اعتماد عمومی به پلیس است. این الگو شامل جوامع محلی در شناسایی اولویت‌های مسائل جرم و بی‌نظمی در محله‌های آنان است تا پس از آن جامعه همراه با پلیس و سایر ادارات و شرکاء مورد برخورد قرار دهد.

پلیس اطمینان‌بخش به دنبال پر کردن شکاف بین شاخص‌های رو به بهبود خطر بزه‌دیدگی جنایی و شاخص‌های رو به تنزل اعتماد عمومی است. از طریق جهت‌گیری این الگو بر "جرائم هشدار"، حوادثی که بطور نامناسبی حس عمومی در مورد امنیت را تحت تأثیر قرار می‌دهند، پلیس اطمینان‌بخش تقریباً در حد ذاته "در شرف اندازه‌گیری" است. یک عملیات محوری شامل مأموران پلیس و نیروهای کمکی در همکاری با جامعه در سطح حوزه استحفاظی برای شناسایی علائم فیزیکی و اجتماعی (مثبت و منفی) و تلفیق موانع آسیب‌شناسی شده اطمینان با اقدام برای از بین بردن مشکل (به عنوان نمونه خارج ساختن ماشین‌های اسقاطی رها شده از سطح محله‌ها).^۲

^۱ Ibid

^۲ Brodeur, 2007, p 20

معیار واقعی کمک نیروهای پلیس به خوب اداره کردن شهرها، میزان توانایی آنها در برقراری و حفظ روابط خوب با شهروندان (در عین عمل به تعهداتشان) است. نوسازی ماموریت پلیس، تهیه رویکرد هایی در راستای مشارکت و حل مسئله و ارائه آموزش به ماموران پلیس در مورد روش های محترمانه و موثر اجرای عملیات با رعایت حقوق بشر، همگی عناصر یک تعامل مثبت بین نیروهای پلیس و جامعه هستند.

با این وجود، در بسیاری از کشورها، شهروندان برداشت بسیار منفی از پلیس دارند و بی اعتمادی بر رابطه بین پلیس و شهروندان حاکم است. دلایلی تاریخی برای این وضعیت وجود دارد، مخصوصاً ایفای نقش شبه نظامی که به سرکوب سیاسی و اجتماعی مردم توسط برخی نیروهای پلیس (به عنوان مثال در افریقای جنوبی) منجر شده، در شکل گیری این برداشت ها حایز اهمیت است.

نتیجه گیری

۱. برخورداری از امنیت در برابر جرم و ناامنی از اساسی ترین مولفه های امنیت انسانی به شمار می رود. پلیس فعالیت های مختلفی را در تامین امنیت انسانی انجام می دهد. این فعالیت ها گاهی سرکوبگرانه و گاهی نیز پیشگیرانه هستند. اما، تدابیر پیشگیرانه به دلیل اقتصادی تر و انسانی تر بودن آنها، از جایگاه والاتری برخوردارند.

۲. سازمان های پلیس و از جمله ناجا، تلاش دارند با اتخاذ رویکردهای علمی و کارآمد، نسبت به پیشگیری از جرم و ناامنی اقدام نموده و بستر لازم را برای توسعه پایدار و امنیت انسانی فراهم سازند.

منابع

۱. نجفی ابرندآبادی- علی حسین (۱۳۸۳)، **مباحثی در علوم جنایی**؛ تقریرات درس جرم شناسی مقاطع دکتری و کارشناسی ارشد، مجموعه دو جلدی به کوشش شهرام ابراهیمی.

2. Australian Institute of Criminology (2002), **Preventing crime in Australia 1990 - 2002: a selected register of crime prevention projects**, obtained from: www.aic.gov.au

3. Brodeur, Jean-Paul , (2007); ***Trust and Expertise in Policing***; paper Prepared for delivery in the ICPC's Seventh Annual Crime Prevention Colloquium. Oslo, Norway, November 8-9, 2007; Obtained from: www.crime-prevention-intl.org
4. Capobianco, Laura (2006), ***Public- Private-Community Action towards Safety: A Focus on Housing in Disadvantaged Neighborhoods***, International Center for the Prevention of Crime, Obtained from www.crime-prevention-intl.org
5. Chalom, Maurice and Al. (2001). ***Urban Safety And Good Governance : The Role of The Police***; United Nations Center for Human Settlements and International Center for The Prevention of Crime. Obtained from:www.crime-prevention-intl.org
6. Crowe, Timothy D (1991). ***Crime Prevention Through Environmental Design***, Stoneham, MA: Butterworth-Heineman,
7. Department of Justice of South Australia, Fact Sheet C (2007). ***Problem Solving Approach in Crime Prevention***. Department of Justice, South Australia, Crime Prevention Unit. obtained from: www.cpu.sa.gov.au
8. Human Security, [on line] <http://en.wikipedia.org>
9. Shaftoe, Henry (2002). ***Social Crime Prevention - Interventions to Reduce the Motivation to Offend***; Synopsis of Presentation at Tallinn City Council, University of the West of England, Bristol, UK. Obtained from: www.uwe.ac.uk
- 10 Stanwick, John (2001), ***Early Childhood Crime Prevention- Implications for Policing***, Australian Center for Policing Research, Obtained from www.acpr.gov.au
11. United Nations Office in Drugs and Crime (2004). ***Promoting the Prevention of Crime; Guidelines and Selected Projects***. Obtained from www.un.org/English
12. Zero tolerance, [on line] http://en.wikipedia.org/wiki/Zero_tolerance

